

عرفا احساس می‌کنند واژه‌ها بعد از مدتی معمولی می‌شود و دیگر آن احساساتی را که این‌ها به آن رسیده‌اند بیان نمی‌کند

شماره پرسش: ۸۱۲۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۳/۱/۲۵ ۰۵:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام استاد گرانقدر. در یکی از سوالات دوستی مطرح کرده بود که با مطالعه اسفار و مراجعه بهیک روحانی، آن روحانیگفت برای طی سلوک می تواند سالک با نوجوانی زیر یک لحاف برود و... و حضرتعالی پاسخ داده بودید آن شخص درست مطلب را متوجه نشده و استعاراتیکه ملاصدرا و یا حافظ استفاده می کنند برای رساندن معناست و... حتی مثال دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود را مثال زده بودید؛ استاد سوال من این است مگر مثال قحط است که این بزرگان از چنین مسائل سخیفی جهت استعاره استفاده می کنند؟ حرف از مغیچه و پسرک و زیر دامن و... چه ضرورتی دارد وقتی این نوع از برداشتهای بد و را منجر می شود؟ بنده اینهمه روایت از ائمه خوانده ام یک بار به چنین مطالبی برنخورده ام؛ چگونه این حضرات که یعنی پیرو ائمه هستند برای بیان وصال با حق و .. به نازلترین مطالب متوسل می شوند؟ استاد خواهشمندم پاسخ مرا بدهید، بی صبرانه منتظرم سپاس بسیار

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری مقام متعادل ائمه «علیهم السلام» هرگز منجر به اظهار این واژه‌ها نمی‌شد در عین آن که وقتی قرآن از شراب طهور نام می‌برد می‌خواهد بفرماید احساسی برای اهل بهشت پیش می‌آید که با این واژه می‌توان آن را اداء کرد. و یا در آیه‌ی ۹۳ سوره‌ی بقره می‌گوید بنی‌اسرائیل در قلبشان گوساله نوشیدند، در حالی که گوساله نوشیدنی نیست، ولی برای آن که آن احساس را به خوبی بیان کند این نوع واژه‌ها را به کار می‌برند. حافظ در وصف رسول خدا ﷺ می‌گوید: «نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت.... به غمزه، مسئله‌آموز صد مدرس شد» هرکس می‌فهمد منظور او از نگار، رسول خدا «صلوٰة الله علیه وآله» است و منظور از غمزه، توصیه‌های روحانی آن حضرت است، ولی چون احساس می‌کنند واژه‌ها بعد از مدتی معمولی می‌شود و دیگر آن احساساتی را که این‌ها به آن رسیده‌اند بیان نمی‌کند، از این نوع واژه‌ها استفاده می‌کنند. نمی‌خواهم آن‌ها را تبرئه کنم، می‌خواهم عرض کنم نکند منظور آن‌ها به اشتباه فهمیده شود. موفق باشید